

مریض که معده بود و اگر با ذی طعم و رنگ سست علامت اول است که آن
 سست رنگ بود و معده نظره کنگه غلط بود و سایر علاج مذکور است
 که را دانسته شود که هر یک که معده بود و آب کنگه سست است و اول هم
 در معده است که در سست او گرم شد خون است و بیشتر بنی و حرارت
 گرم و سست است و اگر در سست گرم شد که علامت اول است که آب
 میل غلبه خوردن کند و در روز و لایحه سود و در سست است که در سستی
 از پرود و کثرت سر شود علاج آن بزرگ کمالی است و اگر سست است
 و سست و غلبه را در کمال و کنگه در وجود و متوال و کنگه سست
 از او مذکور است که در سست و کنگه سست است که در سستی
 از آن میانه است و هر یک که در سست است که در سستی است
 و اگر سست است و در سستی است که در سستی است که در سستی

واده سرب بخساند جدا که نوزن پنج سرباید و دو سرب کوب در آن
سیند و ربع سرب و یک کینه در کوب یک کینه نمایند و در وقت سیر است باید
که عطرش مایع شود و علاج اید باک سردیم و میخانه اسکندر شفت و غیره
که بر دانه بخار کرده اند که است خون سارده اند و اسکی سنگین بر رویند
و راه دور نمانده شود و کوب عام شود و مخلوط کرد و علاج اول است
که دم سارده و از خوردن مارا بدو سیر بر آید و نوشتر سیر کرد و علاج او
عام اند که سردیم است و کوب اریکام و اطریف سلو شتر کینه
و اراده و اندام حشرهای سخت جویند و در میان است سارده است
دارد و حاشی پس او مانده که بر ماسته که علف دفع شود و علاج اید
و اسنادان سید می بر و سوار شوند و اسوده دارند مات چهار دم در نیم
است که در انبای بر ماسته حاکم تواند کشاد و متصل اداب اردا سارده
علام او سردیم است و یک کینه در ماسته سیر کینه کاد و کوب کینه

[illegible]

علاج سردار حاکمه در پنجین کروزه وار خوردن بار ناند و ایدر
علاج ان کرم اید و در دم و سپید کلو و سم خار و باد و کرب از یک سیر
و نبات ربع سیر مجموع کنی کرده بکوبد و باربع سیر و نیم سیر و نیم
و اسب را داند اگر جوانه بدهد کند هم سیر دارد و کجا برسد و اگر از کشته
ماله نیر دارد و سبده کب دارد و حور ابرمان کرده باشد و در دم
و نبات بدهد که فایده باشد و اگر این اودیه و دانه برود و اع کسب باشد
و در وقت احاطه ابرمان و حیالیه ان کلمی حور اوده اند که آب
از سیرین با سکه اول را از دم از مع و در سیر و در مع و در مع و در مع
که ارا و در مع و مع را کمی سده شود و چهار سب از ان با سیرین اند
اما سیر از ان سب که در حور و در سب کسب و سب و سب و سب و سب
هم آید خون او سوجه کرد و با سب سب سب سب سب سب سب سب سب
خورده بماند و در علاج ان تعلق کند بدان سب سب سب سب سب سب سب

1

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کتابت شد در روز دوشنبه ۱۲۰۳
در روز دوشنبه ۱۲۰۳ در روز دوشنبه ۱۲۰۳
و شاه بهر اراده در روز دوشنبه ۱۲۰۳
که در روز دوشنبه ۱۲۰۳ در روز دوشنبه ۱۲۰۳
در روز دوشنبه ۱۲۰۳ در روز دوشنبه ۱۲۰۳
و در روز دوشنبه ۱۲۰۳ در روز دوشنبه ۱۲۰۳
در روز دوشنبه ۱۲۰۳ در روز دوشنبه ۱۲۰۳
در روز دوشنبه ۱۲۰۳ در روز دوشنبه ۱۲۰۳
در روز دوشنبه ۱۲۰۳ در روز دوشنبه ۱۲۰۳
در روز دوشنبه ۱۲۰۳ در روز دوشنبه ۱۲۰۳
در روز دوشنبه ۱۲۰۳ در روز دوشنبه ۱۲۰۳

۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

[illegible]

花

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و گوشت نیم سوزده دم و کاهن و انچه در جگر است از سینه از ریه
 و نیم آرد و در کدر آلود و نیم سوزده دم و کاهن و انچه در جگر است از سینه از ریه
 که سینه از سینه کرج و گوشت از ریه با دو کوب سر در جگر
 و یک کوب سر در جگر و کاهن و ریه از جگر که و است اند و سینه از
 و کوب سر در جگر و اگر سر سوزده دم و کاهن و انچه در جگر است از سینه از ریه
 و گوشت سوزده دم و کاهن و انچه در جگر است از سینه از ریه
 با کمال جود و در جگر و کاهن و انچه در جگر است از سینه از ریه
 نه از کاهن و انچه در جگر و کاهن و انچه در جگر است از سینه از ریه
 و با کمال جود و در جگر و کاهن و انچه در جگر است از سینه از ریه
 و کاهن و انچه در جگر و کاهن و انچه در جگر است از سینه از ریه
 و کاهن و انچه در جگر و کاهن و انچه در جگر است از سینه از ریه
 و کاهن و انچه در جگر و کاهن و انچه در جگر است از سینه از ریه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و ان کتاب از او است و دیگر بود و هم و غیره که در این کتاب

خبر روزی از دوستی این عالم بر حق بگفته که گشته در این امر واقع گشته

دکتر داد گلبرگ مقدم است معجون صمدیاب غنیمت بود و در کتب

که اگر کسی که در این دنیا است و اندک چیزی از او بماند و او را در دنیا

واب الامان رود و عود است که در سبک که محضر ج کرد

و مناسبت در قدم بسیار بدلا خواهد نمود علاج این رنگ در آب

کهنی مارک سنی در آب جوی و حوض است و در رودخانه

حرف کسب و حاشیای علم هم سر از اندام سر و درج هم سر و دستگیر یک سر

کودیکه نام علی بن ابی طالب کس و سرور است این نام است

حاضر در روز جمعه ۱۳۰۳

و اما پس کند و در شکله امر حست در سینه و در کمر و کبیره و کوبه و در

5/11/11

62

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

۹۱
و بیک و سه سیم راه ده و علاج او باید که خورد کاهش روزی سه بار
چون کت و ماست که کند و در آن آب که از یک کاه کرم کرده و جوهر
که از آن کرم کرده باشد و به بذر که در روز سه بار بخورد که قطع
نموده و کت که او و فستق سبز و زعفران و زرد قند
چون که از آن کرم کرده و در آن کاه کرم کرده که علاج
و اگر فستق سبز و زعفران و زرد قند که علاج
که در آن کرم کرده و در آن کاه کرم کرده که علاج
چون که در آن کرم کرده و در آن کاه کرم کرده که علاج
و بیک و سه سیم راه ده و علاج او باید که خورد کاهش روزی سه بار

[illegible]

[illegible]

که چون در کف دست کمال زدن در این مریض مریض شود و کما و جوت
و کما و دودا که کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت
ادویه مذکور از آب است که کما و جوت کما و جوت کما و جوت
و مایه کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت
مرزید که کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت
علامت است که کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت
و اگر کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت
این سرده باشد که کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت
جی است که کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت
پایانی بران علامت کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت
کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت
کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت کما و جوت

۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

一 光

[illegible]

[illegible]

[illegible]

میرزا محمد داور

[illegible]

[illegible]

U

1

سید محمد احمد رضا

که بعد از آنکه از این بنویس و مع سحر و جادو و غیره در باب

۱۲۰۴
از آنکه در آنکه هر چه در سید و ابریکر که این بن من در این

و در مورد کتبت مباحثی را بیان و عمر بن ابی ذر و دیگران را نام برد.

[illegible]

۱- در مورد خوار است و در مورد دیگر

سورة التوبة الحمد لله رب العالمين

وَاللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۚ لَهُ أَسْمَاءُ الْغَيْبِ لَا يَخْفَى عَلَى شَيْءٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ۚ

سليم من في السموات والارض طوعا وقهرا
والله

إله إليه ترجعون والصلوة والسلام على محمد

میرزا محمد علی باقری

دود و سکر مرگت که خفته است بر لب و در غایت غم و سواری لب

بسم الله الرحمن الرحيم

10

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكما وعلما
والله اعلم بقلوبنا وانه لا يعجزنا ان لا نعلم الا ما نزلنا
من راي جماعتنا في كل شيء وانه لا يعجزنا ان لا نعلم الا ما نزلنا
وحيه من كل شيء وانه لا يعجزنا ان لا نعلم الا ما نزلنا
الحمد لله الرحمن الرحيم سبحان الذي سخر لنا هذا
وما كنا له مقرين الا الله سبحانك اني كنت
من الظالمين اوصف امامنا في كل شيء
ما نزلنا من كل شيء وانه لا يعجزنا ان لا نعلم الا ما نزلنا
الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكما وعلما
والله اعلم بقلوبنا وانه لا يعجزنا ان لا نعلم الا ما نزلنا
من راي جماعتنا في كل شيء وانه لا يعجزنا ان لا نعلم الا ما نزلنا
وحيه من كل شيء وانه لا يعجزنا ان لا نعلم الا ما نزلنا
الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكما وعلما
والله اعلم بقلوبنا وانه لا يعجزنا ان لا نعلم الا ما نزلنا
من راي جماعتنا في كل شيء وانه لا يعجزنا ان لا نعلم الا ما نزلنا
وحيه من كل شيء وانه لا يعجزنا ان لا نعلم الا ما نزلنا

وَكذلكَ وَسَائِرُ رَوَاةٍ مِنَ الْخَيْلِ مِنْ وَهْمِهَا
وَشَفِيرِهَا وَلَيْثِهَا وَأَعْرَاسِهَا وَمَحْجَمِهَا وَخَفْطِهَا
وَمُحَوَّرِهَا مِنَ الْمَسِيرِ وَالرَّهْنِ وَالنَّهْضِ
وَالرَّهْمَةِ وَالرَّصَةِ وَخَفْقَانِ الْفَوَادِ وَبِرْمَلَةِ
الضَّفَائِقِ وَالرَّحِيصِ وَبَيْعِ الرَّائِسِ وَبَيْعِ الْهَيْبِ
وَالْحَرْدِ وَالْخُرْلَانِ وَرُجْعِ الْجَوْفِ وَالزُّوْفِ
الرَّسِّ مِنَ الطَّرَفِ وَالْمَطْلَعِ وَالضَّدْبَةِ وَالْعَادِ
الْحَصْرِ فِي الْأَمَاقِ وَالْخَرِّ وَالنَّمْرِ وَسَائِرِ الْأَعْدَالِ فِي الْبَهَائِمِ
وَقَعَتْ حَيَوَانُ السَّوْدِ عَنْهَا فِي السَّائِرِ حُسُوفِهَا
وَبَحْرِهَا وَخَفْطِهَا وَمَهَاوِجِهَا وَعَظْمِهَا وَجِلْدِهَا

وَجِوْنَهَا وَمِنْ قَمَارِهَا وَسُفْرَهَا وَرِثَا وَبَطْنَهَا
وَمُضْرُهَا وَطَامِرُهَا وَبَاطِنُهَا بِالْأَحَاطَةِ الْمُبِينِ
وَبِاسْمَاءِ اللَّهِ الْحُسْنَى وَبِكَلِمَاتِ اللَّهِ الْعَظِيمِ
مِنْ سَبْعِ الْإِسْتِخَارِ مِنَ الْأَكْلِ وَالشَّرْبِ وَالتَّعَصُّرِ
بِهَذَا الْاِتِّوَارِ وَمَرْقٍ بِالنَّارِ وَتَحْلِيلٍ وَمِنْ وَقَعِ
رَفِضَالِ الصَّامِ وَأَسْنَدِ الرِّمَاحِ وَمِنْ الْقَوَامِ
وَاللَّوَارِغِ وَضَرْبَةِ مَوْضِعِهِ وَوَقْعَةِ مَحْطِهِ
وَسَقَطِهِ مُوجَعَةٍ وَعَثْرَةٍ مُرْجَعَةٍ وَوَقْعَةِ مَوْلِهِ
كَوَيْدٍ وَمَرَاكِبِهِ بِمَا تَسْلُظُهُ بِهِ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَعُوذُ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الرَّاقِئُ الْعَوِزُ

لِلدَّاءِ

فمنه السحاب وما غود به على اعلاه السلام منه

لوان ما غود به سموت الصفا منه الطماح

وما غود به منى من الله منه الطماح وما غود به

الذي غود به منى من الله منه الطماح وما غود به

صاحبها وما غود به منى من الله منه الطماح وما غود به

الكواح والرايح منى من الله منه الطماح وما غود به

ومن سائر السحاب والموامد ومن كل اذنه ولبه

ومن السمور والدصور والردة والغرق والخرق

والوبار ومنى من الله منه الطماح وما غود به

الجمادى الاخرى منى من الله منه الطماح وما غود به

الجمادى الاولى منى من الله منه الطماح وما غود به

وَمِنْ شَرِّ الْعَابَةِ وَمِنْ أَعْيُنِ الْحَيَاتِ
وَالْأَنْسِ أَجْمَعِينَ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
بِسْمِ اللَّهِ عَلَى الشَّرِّ وَأَخِي بِسْمِ اللَّهِ الْأَعْلَى
وَبِاسْمِ اللَّهِ الْكَلْبِ فِي سِرَادِقِ عِلْمِ اللَّهِ وَ
فِي حُبِّ مَلَكُوتِ اللَّهِ الَّذِي يُخَيِّ بِهَ الْأُمُورِ
وَبِاسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَاللَّهُ الَّذِي
أَضَاءَتْ بِهَا الشَّمْسُ وَأَمْرٌ قَفَعَ بِهَا الْعَرَقُ
مِنْ شَأْنِهِ مَا ذَكَرْتُ مَا لَمْ أَذْكُرْ وَمَا عَلِمْتُ
وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَمِنْ فَعَلَتْ حَطَطَ بِهَا الْعُيُوتُ
الْغَائِبَةُ وَالْعَابَةُ الْحَيَاتُ وَالْأَنْسُ وَالْأَعْلَى

وَالْعَزِيزُ لَا يُعْلَمُ إِلَّا قُوَّةَ اللَّهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ وَهُوَ حَقٌّ وَنَفْسُ الْوَكِيلِ

وَرَبُّكَ سَوَاءٌ لَكَ فِي عَيْنِكَ كَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ

كَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ

كَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ

كَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ

كَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ

كَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ

كَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ

كَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ

كَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ

كَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ وَكَرَّمَ وَجْهَهُ

[Handwritten signature]

برکات بنور استیلا
عبدالله صمد

[illegible]

البرهان على صحة ما تقدم ذكره من أن

الحمد لله الذي جعلنا من عباده المخلصين

سید ذکات پسر احمد دودگر علی بن محمد علی

عدد هزاره یکصد و بیست و پنج

از این کتاب که در میان مردم است و در دسترس است

(Faint handwritten notes at the bottom of the page)

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

بسم الله الرحمن الرحيم

3. مجلس

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دوشتم و طر فی دار و شبگیر و مالارین استوار بدید که نام در میان
بیمبیر عرفی باشد نام شب بد بصورت مانند بد بد صبحی با و اما بد
بیمبیر ک حسه مالیده و شب سحر آمد یک جور که شب را بکار نشد
بیمبیر شد که اگر شب این در میان جوایز بود و در میان و نه خواند
یکد از او رفتند و در این است با و در موضع است انوار از یک
و در هر دو ساری کمال شد و شب جوایز و و اما در جوایز و و اما در
خساره آثار کما گوید یک نیمه کما در و بعد نیمه سزار و قبل از نیمه و در
صبح عقید میان طلوع است و استوار داده باشد انوار از یک در میان
از میان جوایز است اما نام است جوایز این سوار بی بر آب
سوف کند و نام این که چهار جز است از علی و اسم خان از حرم
بیمبیر و اما در و در میان و اما در و در میان و اما در و در میان

شامل نموده دارند و در علم الماده و حکمت اربعه داده اند و بعد از این
 در کی و حوت و دوا و علل و طب و غیره است که در این چهارده
 نام همراهم دارند و هر یک از این کتابها و در این کتابها
 نوشته شده و در هر یک از این کتابها در این کتابها
 از هر یک از این کتابها در این کتابها
 در هر یک از این کتابها در این کتابها
 در هر یک از این کتابها در این کتابها
 در هر یک از این کتابها در این کتابها
 در هر یک از این کتابها در این کتابها
 در هر یک از این کتابها در این کتابها

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

5 تاوانار اودکت تاوانار این سکوت صد آب لوبک صرر
 بهولدار نخله اگر فاضل کو من و سخن است که به سخن می کند و
 ما عرق جان حب کوزن شمس طوس است که ما به سخن
 کت کوراند اگر در علامت خود از ان العاق شود و در
 حب مدید و اندر مدید و حاله به بهار و شمس می نماید
 سکه چرخا کوکت تاوانار حرکت امار سوسه تاوانار می
 تاوانار مایه حرکت تاوانار سخی تاوانار مدی می تاوانار
 حرکت رسته تاوانار حرکت اکوان کعبه و کعبه در
 کوفه عروج نمود و در طریقی کوان کلی ندارد و اندک
 کند ده طرف تر بر ندارد که روی طرف بالا باشد
 مقدار ان کلی ندارد و اندک زمین را کند ده طرف
 کند ده طرف تر بر ندارد که روی طرف باشد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و در تکیه کردن قایل حرکت است و چون در تکیه حرکت کند

حرکت در المیغ کرده دارد و چون چهار طبقه می شود خارج می آید

و در تکیه هم حرکت می کند هم گدازد و به غیر تکیه است هم ندارد

همانی در تکیه و تکیه هم دارد و چون در تکیه حرکت کند

و تکیه حرکت نکند هم ندارد و تکیه است و تکیه حرکت نکند

اول این که تکیه و تکیه است و تکیه دارد و تکیه حرکت نکند

و تکیه است و تکیه است و تکیه است و تکیه است و تکیه است

تکیه است و تکیه است و تکیه است و تکیه است و تکیه است

تکیه است و تکیه است و تکیه است و تکیه است و تکیه است

تکیه است و تکیه است و تکیه است و تکیه است و تکیه است

تکیه است و تکیه است و تکیه است و تکیه است و تکیه است

تکیه است و تکیه است و تکیه است و تکیه است و تکیه است

[illegible]

[illegible]

این مرد در آمد که کوه کمر کرده زانجا در طوفی کرده و دارد و بعد از آن
سهم اندر جمع منس ازین وقت شب هم اما تمام بعد از دهانه بخورده

العیاذ به الله که اگر کسی در آب خود داده او بخورده است
بسیار آید که اگر کسی در آب بخورده است

بسیار اول از این کوه بخورده است و بعد از آن
بعد از آن کوه بخورده است و بعد از آن

در سر که در سال خورده است و بعد از آن
بعد از آن که در سال خورده است و بعد از آن

بعد از آن که در سال خورده است و بعد از آن
بعد از آن که در سال خورده است و بعد از آن

بعد از آن که در سال خورده است و بعد از آن
بعد از آن که در سال خورده است و بعد از آن

در سال خورده است و بعد از آن
بعد از آن که در سال خورده است و بعد از آن
بعد از آن که در سال خورده است و بعد از آن

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و این را بر آن و در کبریا و انبیا علاج سینه چنان بود که سینه

بسیار در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه

و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه

و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه

و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه

و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه

و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه

و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه

و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه

و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه

و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه

و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه

و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه

و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه